

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۷- جمع بندی بخش های ۱۰ گانه زیارت ماثور اربعین با محوریت رفتارشناسی امام / سخن متقدمین و متأخرین

## ج ۷: جمع بندی بخش های ۱۰ گانه زیارت ماثور اربعین با محوریت رفتارشناسی امام / سخن متقدمین و متأخرین

### جمع بندی بخش ۱ و ۲ زیارت اربعین؛ تعریف جبهه، نسبت با امام ع، تعریف نزد خالق از امام

بخش های مختلف زیارت اربعینیه که از جانب امام صادق علیه السلام مطرح شده است تا به آن مقید باشیم، در یک فضای کلی به ده بخش تقسیم شده و در مجموع، یک فرهنگ زیبای دینی و قرآنی را برای ما شکل می دهد. در بخش اول این دعا، جبهه بندی ما مشخص می شود و نسبت ما با امام علیه السلام، در قالب سلام و سلم و تسلیم تعریف می شود. در بخش دوم نیز، گفتگوی ما با خالق در حضور امامان شکل می گیرد.

### جمع بندی بخش ۳: از اتقان زیارت اربعینی، تا چگونگی فعل حسینی در دنیا و امتداد آن تا سرزمین مهدویت

با مطالعه فرازهای ادعیه یا قرآن - که بخشی از آن گذشت - به این نتیجه می رسیم که این زیارت، جز از چشمه وحی و از عترت ساطع نشده است و اساسا امکان ندارد که شخصی این مجموعه از مفاهیم را اینگونه دقیق، عمیق و موجز بیان نماید. از جمله آغاز و انجامی که از فعل حسینی در بخش سوم زیارت اربعین مطرح شده است، گمان انسان را به این سمت تقویت می کند که عبارات صادره زیارت اربعینی، عباراتی بسیار دقیق بوده و در نهایت دقت با مفاهیم دینی، و به شکلی منطبق با قرآن قابل مطالعه است.

در بخش سوم، شیوه امام از آغاز در دنیا، تا انجام در آینده بیان می شود! تعبیر حداقلی و کوتاهی که زیارت اربعینیه در این بخش پیش چشم ما روشن می کند، تعبیر عجیبی هستند که با تقید به آن می توان از فضای زندگی حسینی بهره مند شد. چرا که اساسا پیکره زیارت اربعین، مبین نشانه های ایمانی بوده و انتظار بر آن است که در دوران غیبت کبری مورد تقید قرار گیرد.

حضرت در فراز سوم از این دعا، در نوع روش و شیوه رفتاری اباعبدالله ع از آغاز در دنیا، تعبیری را مطرح می کنند که امروزه شدیداً به دقت و تامل در آن نیازمندیم تا مبتنی بر آن، رفتاری جدید را در جامعه پیشه کنیم. کارنامه رفتاری اباعبدالله ع در نگاه امام صادق علیه السلام، کارنامه ای منطبق با بهترین و پرقدردمندترین روش ها و رفتارها در قرآن است. این کارنامه، فراتر از کلام بوده و با این تعبیر در زیارت اربعین ترسیم شده است: ترسیم چگونگی ورود حضرت در دنیا، و ترسیم هدف اباعبدالله ع از این جمله اند! تعبیر «فَاعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ النَّصْحَ» سرآغاز توصیف رفتاری حضرت در دنیا است و نهایت و سرانجام آن در سرزمین مهدویت نیز این چنین ترسیم شده است: «وَوَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيَكَلِّسْتَنَقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ».

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۷- جمع بندی بخش های ۱۰ گانه زیارت ماثور اربعین با محوریت رفتارشناسی امام / سخن متقدمین و متأخرین

### تبیین فضای «دعوت» حسینی در مقایسه با فضای «امر به معروف» در قرآن

«فَاعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ النَّصْحَ» یک شاه کلید است، سرآغاز و سرلوحه رفتاری اباعبدالله ع، دعوت و نصیحت و خیرخواهی بوده است. روشی که اینچنین بر مدار «دعوت» شکل بگیرد، مقدمات بسیاری را پیش از این در درون خود داشته است. انسانی که بخواهد با شیوه دعوت به خیر وارد کارزار جامعه گردد، اصلاحگری را از خود شروع کرده و وجودش پیش از آن بسان بهشت خواهد بود. نه آنکه نه چهره بشاشی داشته باشد، نه حسن خلق و نه حسن عمل، اما زبانش پرگو، مطالبه گر و آمر باشد!

«دعوت» به خیر با یک فضای گسترده از صفا و صمیمیت شکل می‌گیرد. در دعوت به خیر، انسان بیش از حرف زدن، باید عمل کند. بارها را بر دوش خودش کشد و با زبان عمل و زبان صحنه با پیرامون سخن بگوید. کسی که می‌خواهد دعوت به خیر بکند، اول باید قلبش چشمه سلم و رحمت و محبت باشد، به زبانش شکر جاری بشود، چشمانش جز خیر و محبت نیکی نبیند، در جستجوی خیرات باشد، یک چشمه جوشان از محبت و اصلاحگری باشد، تا بتواند دعوت به خیر بکند!

بر اساس قرآن، «دعوت» به خیر را باید در نسبت با فضای «امر به معروف» و «نهی از منکر» تعریف نمود. این موضوع، نسبت به دو موضوع مزبور مقدم بوده و یک شاه کلید محسوب می‌شود. این شروع است. شاکله رفتاری حضرت نیز در اوج این ارزش بوده است تا آنجا که هیچ عذری برای کسی باقی نمانده است. این موضوع در این دعا مورد توجه قرار گرفته است.

بر این اساس، اگر جامعه اسلامی و هیأت مذهبی ما فقط جمله «فَاعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ» را از منطلق اباعبدالله ع اخذ نمایند و به آن مقید شوند، به میزان قابل توجهی تحول رفتاری و فرهنگی شکل خواهد گرفت.

### تبیین امروزین «دعوت به خیر»، توسط جریان اربعینی

«دعوت به خیر» اگرچه در خلال هزار و اندی سال گذشته مورد تبیین و تمییز از «امر به معروف» و «نهی از منکر» قرار نگرفته است، اما امروزه جریان اربعینی ساخته حضرت، این موضوع را - بدون امر و نهی - به شکلی بسیار زیبا و در قالب فضایی با صفا، با صمیمیت و عاشقانه، پیش چشم ما ترسیم کرده است؛ فضایی قدرتمند که در امتداد خود، تقید به احکام شرعی را برای یکایک اهالی به ارمغان آورده و خواهد آورد. براستی اگر جریان اربعین در این سالها شکل نگرفته بود، آیا تفاوتی میان «دعوت به خیر» با «امر به معروف» برای ما وجود داشت؟! و آیا فهم ما از رفتار ارزشمند اباعبدالله ع بسان فهمی امروزین بود؟!!

بر اساس تبیین اربعینی از دعوت به خیر، فهم ما از فعل حضرت در مواجهه با افراد، به سوی فضایی سراسر محبت، عشق و خیرخواهی پیش می‌رود تا «فَاعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ النَّصْحَ» شکل گیرد. این فضا، یادآور فضای

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۷- جمع بندی بخش های ۱۰ گانه زیارت ماثور اربعین با محوریت رفتارشناسی امام / سخن متقدمین و متأخرین

مادر، آغوش مادر، و مهر بدون توقع مادری است که فقط می‌سازد تا انسان در درون این ساخت و ساز الهی و ارزشمند، تربیت شود و خود نتیجه بگیرد! خود را فدا می‌سازد تا انسان بزرگ بشود و تربیت گردد. اگر ما فقط همین تعبیر را از حرکت حضرت داشتیم، شاهد تحولات عمیق فرهنگی می‌بودیم!

با اندکی تامل در فراز سوم زیارت اربعین در می‌یابیم که گویی این فراز، یک اعجاز است و البته تحققش، اعجازی بزرگ‌تر که توسط ابا عبدالله ع در حال وقوع است! امروز دیدن این اعجاز عظیم، در جریان اربعین میسور است. امروز صحنه‌هایی عظیم با درس‌هایی ارزشمند، به شکلی عینی و ملموس، در جریان اربعین پیش پای ما قرار گرفته است، چنانکه پیش از این، حتی مباحث نظری آن نیز مورد توجه قرار نگرفته بود!

### تبیین برتر زیارت اربعینی نسبت به افعال و اهداف حسینی با دلایل ۳ گانه

به نظر می‌رسد تعبیری که امام صادق علیه‌السلام در توصیف امام حسین علیه‌السلام مطرح می‌کنند، بالاتر از آن توصیفی است که امام حسین علیه‌السلام نسبت به خود مطرح کرده اند. امام صادق علیه‌السلام در معرفی شیوه رفتاری جد خود و تعاملات حضرت در جامعه، به تعبیر «دعوت» به خیر بسنده کرده اند اما در روایت «انی لم اخرج اشراً و لا بطراً و لا ظالماً و لا مفسداً و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی اريد آن آمر بالمعروف و انهی عن المنکر»، محور رفتاری را امر به معروف و نهی از منکر دانسته و گام دوم و سوم رفتاری مطلوب را در اجتماع مطرح می‌کنند!

از زاویه دیگر نیز چیزی که امام صادق علیه‌السلام در بحث اهداف مطرح می‌کنند، فراتر از آن چیزی است که امام حسین علیه‌السلام برای خود مطرح فرموده اند. امام حسین علیه‌السلام سخن از هدف خروج دارند که «انما خرجت لطلب الاصلاح...». و امام صادق ع، سخن از هدف بذل جان که «وَوَ بَدَلًا مَّهْجَتَهُ فَيَكُ لِيَسْتَنْقِذَ...».

همچنین در سخن امام حسین ع بحث «اصلاح امت جد» مطرح بوده، و در زیارت اربعین، بحث «نجات عباد خدا از ضلالت» مطرح می‌باشد. بر این اساس، سرآغاز، دعوت به خیر است در گذشته و سرانجام، نجات بندگان خدا در آینده! چه سرآغاز زیبایی و چه انتهای پرشکوهی! و چقدر قدرتمند. چقدر دایره نجات یافتگان وسیع است.

### تفسیر روایات کشتی نجات، بر اساس دو تبیین موجود از اهداف ماجرای حسینی

آن چیز که در این دو تعبیر، یکی از امام صادق علیه‌السلام در زیارت اربعین و یکی هم از امام حسین علیه‌السلام، مطرح شده است تفسیری بر موضوع «کشتی نجات» است! کشتی نجات اگرچه در قالبی تمثیلی بیان شده است، اما توصیفی حقیقی را در کلام امام صادق علیه‌السلام به خود اختصاص داده است.

بر اساس سخن حضرت، ظرفیت نجات‌بخشی کشتی حسینی نسبت به سایر کشتی‌های نجات معصومین ع «اوسع و اسرع» است. این بخش بر اساس سخن حضرت در حیطة «امت جد» و بر اساس متن زیارت اربعین در

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۷- جمع بندی بخش های ۱۰ گانه زیارت ماثور اربعین با محوریت رفتارشناسی امام / سخن متقدمین و متأخرین

حیطه ای فراتر معنا می یابد که «لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ!» ظرفیت نجات بخشی کشتی نجات حسینی، نجات بخشی از عباد خداست؛ یعنی حیطه آن، همه ادیان الهی و حتی فراتر را در بر گرفته است!

جریان اربعینی تصویری عظیم از درجات امامت و جاذبه حضرت را در معرض ما قرار داده است؛ تصویری که در آن، از شیعیان خالص تا برادران اهل سنت، تا اهل کتاب همچون مسیحیان و در نهایت تا عباد خدا که گرفتار مشکلات متعدّدند امکان بهره از این کشتی نجات را خواهند یافت. و البته این سیر با سوق به سوی بهره بیشتر از درجات امامت حضرت خواهد بود.

بر اساس تعبیر مذکور از بخش سوم این زیارت، زائر حسینی و اربعینی همچون امام خویش می بایست افقی بلند را مدنظر داشته باشد، فراتر از قوم، قبیله، کشور و حتی فراتر از ادیان بنگرد و در مسیر نجات بخشی بندگان خدا گام بر دارد! آنجا را باید نشانه گرفت. کجا؟ «لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ...» آنجا که عباد خدا گرفتار شیطان و جهالت شدند، تا آنجا را باید هدف گرفت. این می شود فرار از حرکت های حداقلی و حرکت صحیح به سوی جذب حداکثری بر مدار ارزش های حسینی!

### بهره از ظرفیت تحول آفرین و حداکثری اربعینی؛ منوط به تغییر رویکرد در ۲ حوزه افعال و اهداف حسینی

آنچه در زیارت اربعینی مذکور است، در جریان اربعینی نیز مشهود است! در شرایطی که فضای فرهنگی ما حداقلی شده و فضای گفتمانی ما با ادیان - در مجامع مختلف تقریبی و...- بر حسب مشکلات مختلف به عقب نشینی کشیده شده است، جریان اربعینی اباعبدالله ع، ترسیمی زیبا و حداکثری از تعاملات فرهنگی را پیش روی ما قرار داده است. اینک جریان اربعینی، برای اولین بار در چند سال اخیر، ترسیمی جدید از تعاملات اجتماعی و تحول فرهنگی را با محوریت فضای حسینی شکل داده و به سوی نقطه متعالی وحدت ادیان گام برداشته است. برآستی چه کششی در عالم شکل گرفته است که غیر مسلمانان نیز حسین ع را امام خود می خوانند؟ آیا می شود نسبت به این پدیده بی تفاوت بود؟

بر اساس آنچه گذشت، اگر قرار باشد که جامعه اسلامی و هیأت مذهبی کشور، بر اساس سیاست «جذب حداکثری نظام و دفع حداقلی» و به عنوان هسته های بهره مندی از جریان حسینی، با جریان اربعینی همگام شوند، می بایست نوع نگاه هیأت به شیوه و سلوک رفتاری اباعبدالله ع تغییر کرده و نسبت به آن منطبق گردند؛ ابتدا تطبیق با شیوه رفتاری حضرت که تمرکز بر فضای قدرتمند «دعوت» است و سپس تطبیق با نوع هدف شناسی حضرت و نوع حرکت حضرت به سوی هدف و مقصد که «نجات بندگان» را در عالم در پی خواهد داشت!

برآستی کدامین دستگاه فرهنگی کشور، نگاه حداقلی پایگاهی، محلی و شهری خود را تغییر داده و این شیوه را به عنوان راهبرد کلان فرهنگی مورد توجه قرار داده است؟! کدامین دستگاه فرهنگی کشور، هدفش را مبتنی بر

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۷- جمع بندی بخش های ۱۰ گانه زیارت ماثور اربعین با محوریت رفتارشناسی امام / سخن متقدمین و متأخرین

منطق حسینی و نجات بخشی عباد خدا از جهالت و ظلالت قرار داده و با محوریت این ظرفیت عظیم، حرکتی عظیم و حداکثری فرهنگی را سامان داده است!؟

#### جمع بندی بخش ۴ و ۵ و ۶: دشمن شناسی، مولفه های زندگی حسینی، عهدی بر تولی و تبری

بخش چهارم زیارت اربعین، یک دشمن شناسی دقیق است و نشان دهنده آنکه اگر کسی با جریان حسینی و اربعینی گره نخورد، هیچ عامل دیگری در نجات او موثر نخواهد بود! و بخش پنجم ترسیمی از زندگی حسینی و ترسیم مولفه های زندگی حسینی است.

بخش ششم، عهدی با امام در نسبت رفتاری و مشخص شدن شاخص ها در تعاملات اجتماعی و فرهنگی است! با همان امامی که قرار است نجات بخش عباد باشد، پیمان می بندیم تا ولایت کسانی را بپذیریم که بر گرد امام جمع می شوند و دشمن کسانی باشیم که از امام تبری می جویند. این تعبیر چقدر عظیم است!

#### جمع بندی بخش ۷ و ۸: همراه با نور امام، از فوق آسمانها تا زمین و به سوی امامان بعد

در بخش هفتم از زیارت اربعین، فضایی زیبا از امام شناسی مطرح می شود که فراتر از دنیا و از جنس نور بوده، فرود نور تا اعماق را مورد توجه قرار داده و اعماق را ناتوان از دست اندازی به نور می داند: «و كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجَّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا...» هیچ چیزی نتوانست به نور شما که به سوی دنیا آمده دست اندازی کند، این هم نوعی از امام شناسی است!

جالب است این نوع از امام شناسی که در زیارت اربعین مطرح می شود و پیوند فوق آسمان با زمین را نشان می دهد در زمانی است که انسان، یک دور گفتگوی با امام، گفتگوی با خدا، رفتارشناسی امام، غایت شناسی امام، دشمن شناسی، زندگی حسینی، وفای به عهد و ... را دیده و تجربه کرده است.

در این بخش، سخن بر سر آن است که نور او به پایین آمده است! او را تا این عمق رصد کن. دست اندازی ظلمت به سمتش نمی تواند شکل بگیرد چرا که قدرتمند است. آمده است تا دنیا را درست نماید! این نور در فضای پایین دست «مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ» است. «الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ» است! همه اینها ساخت و سازی است که نور در عمق دنیا شکل داده و جریانی قدرتمند از امامت را تصویر کرده است. و در بخش بعدی، امتداد این جریان امامت، در بدنه فرزندان اباعبدالله ع مورد مطالعه قرار می گیرد.

#### جمع بندی بخش ۹ و ۱۰: زیارت اربعینی و چهارمین مرحله از پیوند با آینده، همراه با اختتام

در بخش نهم، نوع نگاه، اعتقاد و رفتار ما به آینده با جمله ای در موضوع ایمان به اهل بیت ع و یقین به بازگشت ایشان در آینده ترسیم می شود: «وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ».

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۷- جمع بندی بخش های ۱۰ گانه زیارت ماثور اربعین با محوریت رفتارشناسی امام / سخن متقدمین و متأخرین

تا این فراز از زیارت، این سومین بار است که سخن از آینده به میان آمده است: یک بار در بخش سوم و در موضوع هدفی در آینده: «لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ» آنجایی که همه بندگان نجات پیدا می‌کنند! یک بار در بخش پنجم، در آنجایی که قرار می‌شود خذلان گران ابا عبدالله ع دچار هلاک بشوند! و یک بار نیز در این فراز که «وَأَيُّكُمْ مُوقِنٌ» به بازگشت و رجعت شما یقین دارم. و نهایتاً در مرحله چهارم «حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَمَعَ عَدُوُّكُمْ». بر این اساس، در زیارت اربعینی چهار پیوند آشکار و اساسی با آینده - آینده پس از ظهور، آینده رجعت و عذاب، آینده رجعت و یاری نیکان - وجود دارد.

و نهایتاً در بخش دهم با دعا و طلب صلوات از جانب خدای متعال بر محمد و آل محمد پرونده بسته می‌شود: «صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».

### تحقق بخش های ۳ گانه زیارت اربعین در سال های قبل؛ در آستانه وقوع بخش چهارم (پرداختن به فضای دشمن)

سه بخش اول زیارت اربعینیه با همین سیر، در فضای راهپیمایی اربعین در این سال‌ها در حال تحقق است. به عنوان نمونه و بر منطبق بخش سوم زیارت اربعین، ایجاد فضای دعوت به خیر و پررنگ شدن فضای جذب بندگان خدا و رویکرد مهدوی در این سال‌ها در ایام اربعین شکل گرفته است. اگر بر همین منوال جلو برویم، محتمل است که به زودی بخش چهارم زیارت که پرداختن به فضای دشمن است ملموس شود و مواجه با دشمن جدی گردد. لذا باید منتظر طلوعه ها بود.

دشمنی که نمی‌تواند دو میلیون جمعیت مسلمان را در حج ببیند، آن وقت ظرفیت حداکثری چند ده میلیونی شیعی را در اربعین ببیند؟! طبیعی است که فکری بکند! لذا ماجراهایی دارد شکل می‌گیرد. از جمله در آستانه محرم امسال، ماجرای خودمختاری اربیل را کلید زدند. در ماجرای اربیل می‌خواهند یک اسراییل کوچک در اینجا قد علم بکنند!

حال ممکن است سوال شود که مگر میان ماجرای اربیل با اربعین ارتباطی وجود دارد؟ برای پاسخ به ذکر یک ماجرا می‌پردازم. در سوم محرم دو سال قبل، مجموعه نظامی هماهنگ شده در عراق، عملیاتی به نام «جرف الصخر» انجام داد، من آن موقع کربلا بودم. در خیابان منتهی به حرم حضرت ابوالفضل ع، با یکی از دوستان داخل مغازه‌ای شدید. دیدیم مغازه‌دار خیلی آشفته است! گفتم چه اتفاقی افتاده؟ از این ناراحت بود که ۳۰۰ نفر کشته شده اند. گمان کردم کار داعشی‌ها است که این بنده خدا اینقدر ناراحت است! گفتیم از مغازه برویم بیرون، الان با چوب ما را می‌زند! بیرون که آمدیم از دوستان پرسیدم چه اتفاقی افتاده؟ گفتند نیروها عملیات موفقیت آمیزی انجام داده اند! متوجه شدید که ما در مغازه یک داعشی رفته بودیم! خدا به ما رحم کرده بود. او ناراحت بود که چرا یاران کشته شده اند!

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۷- جمع بندی بخش های ۱۰ گانه زیارت ماثور اربعین با محوریت رفتارشناسی امام / سخن متقدمین و متأخرین

این دو سه سالی که بچه‌های نیروهای قدس زحمت کشیدند و از حدود دو ماه زودتر، کلید تامین امنیت اربعین را زدند، هم منطق نظامی داشت، هم سیاسی اجتماعی و هم فرهنگی! عملاً از زمانی که عملیات جرفالصخر در سوم محرم شکل گرفت، از جمله تبعاتش، ایجاد فضای امنیت برای زائران اربعینی بود. همین مدل از رفتار را سال بعد هم نیروهای نظامی انجام دادند؛ در آستانه محرم یک عملیات سنگین انجام شد که نتیجه‌اش تامین امنیت زوار اربعینی بود! محرم امسال (۱۳۹۵) دشمن بر اساس همین مدل رفتار کرد و در آغاز محرم، ماجرای اربیل را برپا کرد! این وسط صدای ترکیه هم در آمد! جالب اینجا است ظرفیتی - ترکیه - که یک روز افتخارش به همراهی با اسرائیل بود، آنقدر این جریان را خطرناک دیده که مجبور است در کنار ایران و روسیه یک نقشه واحد را پیگیری بکند تا یک روز خودش را تجزیه و تکه تکه نکنند.

در یک نگاه کلی، جریان اربعین فضایی است که خدای متعال با نور عترت خود در زمین روشن کرده است. این فضا موج اندازی خود را دارد و دشمن به خاطر اینکه این نور را خاموش کند برنامه‌ریزی می‌کند. جریان اربعین به عنوان قلب تپنده تحولات فرهنگی، سیاسی و امنیتی در حال خودنمایی است. آیا تحلیل‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی ما یک پای مطالعه میدانی اش جریان اربعین است؟

#### همراهی با «زیاره الیربعین» به عنوان نقشه راه «راهپیمایی اربعین»

بر اساس آنچه گذشت، امروزه جریان اربعینی در حال ترسیم و تصویر مفاهیم عظیمی است. و جالب این است که تا اینجا «زیارت اربعین» نقشه راهی برای همین جریان اربعینی است! با این منطق، کلام امام عسکری ع که «زیارت‌الاربعین - نه صرفاً قرائت آن - یکی از علامات پنجگانه مومن است» معنا دارد.

اگر از همین فضای اربعینی و این موضوع درس بگیریم، آن وقت می‌بایست گام‌های ابتدایی زیارت اربعین تا به اینجا و به شکل دقیق، در وجود ما جا افتاده باشد! یعنی نسبت صحیح ما با امام، نسبت صحیح ما با خدا در مورد امام، تقید به زندگی‌ای که محورش دعوت به خیر است، تقید به زندگی‌ای که غایتش نجات بندگان در آینده عالم و در مهدویت است، همچنین شمشیر کشیدن به دشمن با این پشتوانه عظیم خشم همه اینها باید ملاک عمل ما شده باشد.

#### جمع بندی جلسات قبل و آتی

ما در این چند جلسه، با نگاهی کلی ورود کردیم و وارد مدخلی از مداخل رفتاری نسبت به اهل بیت ع شدیم. چون منطق روایی را انتخاب کردیم، وارد فضای زیارت اباعبدالله ع شدیم و بعد هم در طی سه جلسه زیارت اربعین را مطالعه کردیم. ان‌شالله در اوقات دیگر باید به سمت مباحث قرآنی برویم؛ ابتدا سه شیوه ورود به مباحث قرآنی را در موضوع اربعین مطرح می‌کنیم و سپس چند فضای قرآنی را در حوزه اربعینی مورد مطالعه قرار می‌دهیم، ان شاء الله.